

شاخص‌های مؤثر بر ادراک کیفیت بازیابی در فضاهای شهری

مورد علاقه شهروندان مشهدی (با تأکید بر کاهش فشار روانی در افراد)^۱

نازنین علیزاده محوطه کار^{*}، سید مسلم سیدالحسینی^{**}، مریم استادی^{***}، محمدرضا صفاریان طوسی^{****}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۸

چکیده

سبک نوین زندگی شهری، فضاهای عمومی را به عرصه‌ای برای حضور مستمر شهروندان مبدل ساخته، به گونه‌ای که این فضاهای می‌توانند در ارتباطی دو سویه بر ارتقا و یا تضعیف وضعیت سلامت روانی شهروندان تاثیر بسزایی بر جای بگذارند. بر اساس رویکرد محیط‌های بازیابنده، برخی از شاخص‌های محیطی می‌توانند به بازیابی منابع روانشناختی-کارکردی در افراد کمک شایان توجهی نمایند. نتایج پژوهش‌ها گویای این نکته است که خصلت‌های فردی-فرهنگی افراد نیز در چگونگی ادراک و ارزیابی شهروندان از کیفیت بازیابی و میزان علاقه‌مندی آنها به فضاهای مؤثر هستند. هدف از این پژوهش شناسایی شاخص‌های موجود کیفیت بازیابی در فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان است که می‌توانند در کاهش فشار روانی و میزان علاقه مندی به فضاهای شهری بیشترین تاثیر گذاری را داشته باشند. این پژوهش بدنیال فراهیم آوردن شناختی از عوامل بومی تاثیر گذار بر کیفیت بازیابی در شهر مشهد (به عنوان دومین کلانشهر ایران) است، تا از این طریق بستری کاربردی برای طراحان، برنامه‌ریزان و نهادهای اجرایی فراهیم کند. این مطالعه با تکیه بر راهبرد پیمایشی، پس از انجام مطالعات پایه از طریق شیوه عکس برداری تخصصی و پرسشنامه محقق ساخت به گردآوری دیدگاه‌های شهروندان پرداخته و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۲۵} و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش میزان علاقه مندی شهروندان به فضای شهری کیفیت بازیابی نیز به گونه قوی‌تری آشکار می‌گردد. در این میان شاخص‌های جذابیت، فراغت و خوانایی نیز در ارتباطی معنادار میان میزان علاقه مندی شهروندان به فضاهای شهری با کیفیت بازیابی بیش از سایر شاخص‌ها در کاهش فشار روانی موثرند.

وازگان کلیدی

کیفیت بازیابی، فضای شهری بازیابنده، علاقه مندی به فضا، فشار روانی

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مولفه‌های بصری منظر شهری موثر بر کاهش فشار روانی در شهروندان در فضاهای شهری منتخب (نمونه موردی: شهر مشهد)» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است.

n.alizadeh.m@gmail.com

* پژوهشگر دکتری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

seyedolhosseini5930@mashdiau.ac.ir

** دانشیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

ostadi1889@mashdiau.ac.ir

*** استادیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

saffarian.mr44@yahoo.com

**** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه

برای اولین بار در تاریخ زندگی بشر، شهرها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده اند و به زیستگاه‌های نوینی برای انسان‌ها مبدل شده‌اند (Turan & Besirli, 2008). این سبک جدید زندگی شهری، سبب گردیده شهروندان زمان زیادی را در شهرها و فضاهای عمومی آنها سپری نمایند. فضاهای شهری به عنوان بستری برای مکث، درنگ و رهایی از روزمره‌گی‌ها، کیفیت‌های احساسی و ادراکی متفاوتی را در شهروندان ایجاد می‌نمایند. به عبارت دیگر به سادگی می‌توانند موجب انواع تنש‌های روانی گردیده و یا به شهروندان کمک کنند تا با سایر محرک‌های تنش زای محیطی و غیر محیطی به گونه‌ای مطلوبتر روپرتو شوند.

رویکرد «محیط‌های بازیابنده» که از دهه ۷۰ میلادی توسعه یافته است از جمله مهمترین رویکردهای نظری-کاربردی است که به بررسی ارتباط میان سلامت فیزیکی-روانی شهروندان با ابعاد مختلف محیط می‌پردازد. یافته‌ها و تاییج بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته (همچون 2015, Ulrich, 2002, Hartig, 2011, Hagerhall et al., 2011, Kaplan, 1995, جنگل‌های حومه‌ای) می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای به کاهش اضطراب و فشار روانی کمک نماید (Wanga et al., 2016; Van Aart et al., 2018; Roe & Aspinall, 2017 و یا احساسات مثبتی مانند آرامش، شادی، لذت و خلاقیت «Stigsdotter et al., 2017») را سبب شوند.

از آنجایی که محیط‌های طبیعی بکر و حومه‌ای گزینه‌های در دسترسی برای همه شهروندان نبوده و همچنین ایجاد چنین محیط‌هایی به لحاظ امکانات مالی و اجرایی با دشواری‌هایی نیز همراه‌اند، در سال‌های اخیر مطالعه کیفیت بازیابی در محیط‌های مصنوع شهری نیز افزایش یافته است (Karmanov & Hamelb, 2008; Scopelliti & Subiza-Pérez et al., 2019). پژوهش‌های انجام شده توسط Giuliani, 2004; Abdulkarim & Nasar, 2014 طبیعی از کیفیت بازیابی برخوردار باشند و در واقع نوع فعالیت، امكان سازگاری محیط با نیازهای شهروندان و نیز وجود ویژگی‌های نمادین و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی به اندازه حضور عناصر طبیعی در ایجاد و ادراک کیفیت بازیابی موثر هستند. بخش زیادی از مطالعات و پژوهش‌های حوزه «محیط‌های بازیابنده» به بررسی چگونگی تاثیر گذاری محیط‌ها و عناصر طبیعی در ایجاد و بهبود کیفیت بازیابی اختصاص یافته است و پاره‌ای از مطالعات نیز به سمت بررسی مولفه‌های فردی- هویتی، اجتماعی و فرهنگی تاثیر گذار در نحوه ادراک و ارزیابی این کیفیت در انواع فضاهای (طبیعی و شهری) گرایش یافته‌اند. پژوهش‌های انجام شده توسط Staats et al., 2016 Scopelliti, 2016 Giuliani, 2004; Hoyle et al., 2017 نشان داده اند که تفاوت‌های فرهنگی ملیت‌های مختلف و همچنین گروه‌های مختلف سنی، سطح سواد و نوع تحصیلات افراد نیز از جمله عوامل تاثیرگذار در نحوه ادراک و ارزیابی کیفیت بازیابی هستند. در برخی پژوهش‌ها (Korpela & Hartig, 1996; Korpela et al., 2008; Rosenbaum et al., 2016) مشاهده شده است که مکان‌ها و مناظر مورد علاقه مردم می‌توانند به گونه قوی‌تری دارای کیفیت بازیابنده باشند. نتایج مطالعات کورپلا و همکارانش نشان داد که تجربیات بازیابنده (شامل کاهش احساسات منفی، فشار روانی و افزایش احساسات مثبت، آرامش و غیره) می‌توانند از طریق مشاهده مکان‌های طبیعی مورد علاقه مردم شکل بگیرند (Korpela et al., 2008: 637). وی بر این باور است که تجربیات بازیابنده در افراد عموماً از طریق یک فرآیند عاطفی- روانی درونی و در مکان‌های مورد علاقه شان شکل می‌گیرد که از این طریق افراد هویت مکانی و احساس تعلق به مکان را ادراک کرده و توسعه می‌دهند (Korpela & Hatig, 1996: 221). اثبات این نکته که فضاهای مورد علاقه مردم از کیفیت بازیابی بیشتر و موثرتری برخوردارند، می‌تواند هدایتگر پژوهشگران و نهادهای مدیریتی و اجرایی باشد، چرا که به راحتی می‌توان با شناسایی فضاهای مورد علاقه شهروندان، بررسی نقاط قوت، ضعف و طبقه بندی ویژگی‌های کالبدی- بصری، فرهنگی- اجتماعی این فضاهای به چارچوبی از ترجیحات شهروندان در راستای دست یابی به کیفیت بازیابی دست یافت.

در شرایط فعلی شهرها از یکسو با توجه به گسترش روز افزون مشکلات مربوط به سلامت روان «sharifi et al., 2015»، آقا یاری هیر و دیگران، ۱۳۹۵ « و از سوی دیگر با عنایت به کمبود فضاهای سبز شهری و کمبود منابع مالی و آبی در خصوص احداث، حفظ و نگهداری آنها، توجه و تأکید بر ایجاد و ارتقاء کیفیت بازیابی در فضاهای مصنوع شهری بویژه در کشور ما امری ضروری است. فقدان پژوهش‌های داخلی و نبود چارچوب نظری بومی در خصوص «محیط‌های بازیابنده» و به طور ویژه در باب فضاهای شهری مصنوع نیاز به انجام چنین پژوهش‌های پایه‌ای را افزایش می‌دهد.

بدین ترتیب این نوشتار با تأکید بر فضاهای شهری مشهد (به عنوان دومین کلانشهر کشور که با وجود بارگاه حرم مطهر امام رضا⁽⁴⁾ به شاخص‌ترین میراث معنوی و فرهنگی مردم ایران بدل شده است)، در گام نخست به بررسی معناداری رابطه میزان علاقه‌مندی شهروندان به فضاهای شهری با ارزیابی کیفیت بازیابی توسط آنها پرداخته و در پی پاسخ به این سوال اساسی است که «کدامیک از شاخص‌های موجود کیفیت بازیابی در فضاهای شهری در میزان علاقه‌مندی شهروندان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. روانی افراد (وجود/عدم وجود فشار روانی) بر چگونگی ارزیابی کیفیت بازیابی و میزان علاقه‌مندی شهروندان می‌تواند به عنوان راهنمایی برای طرح‌های شناسایی فضاهای شهری دارای کیفیت بازیابی و مورد علاقه شهروندان و به تبع ویژگی‌های آنان می‌تواند به عنوان راهنمایی برای توسعه شهری مورد استفاده قرار گرفته و با ایجاد احساس تعلق خاطر در شهروندان ضمن کمک به بهبود و ارتقاء شرایط روانی آن‌ها، زمینه را برای حضور هر چه بیشتر، افزایش تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های شهروندی فراهم نماید.

چارچوب نظری

مفهوم بازیابی و محیط‌های بازیابنده: هنگامی که افراد منابع فیزیکی، روانشناسی و اجتماعی خود را در برخورد با موضوعات روزمره استفاده می‌کنند و به همین ترتیب بهای زیادی را برای انطباق با مطالبات و نیازهای محیطی می‌پردازند، نیاز به «بازیابی» این منابع به طور منظم افزایش می‌یابد، بویژه هنگامی که مطالبات و نیازهای جدید مطرح شده و نیاز است که منابع مقابله‌ای به منظور روپرور شدن با آن‌ها، بازیابی و احیاء شوند (Fleury-Bahi, Enric, Navarro, 2017:127-128).

کلمه «restoration» اصطلاحی چند بعدی است که به فرآیند بهبود فیزیولوژیکی و یا روانشناسی که در محیط‌های ویژه و یا اشکال محیطی خاصی مانند «محیط‌های بازیابنده» اتفاق می‌افتد، اشاره می‌کند (Joy, vanden berg, 2019:97).

محیط‌های بازیابنده تنها مفهوم «بازیابی» را تولید نمی‌کنند بلکه بستری برای ارتقاء آن نیز فراهم می‌کنند. بنابراین در تعریف یک «محیط بازیابنده» می‌توان گفت که؛ نه تنها منابع روانشناسی افراد را تحت فشار قرار نمی‌دهد بلکه به علت ویژگی‌های مثبتش قادر است به گونه‌ای سریع‌تر و کامل‌تر فرآیند بازیابی منابع تحلیل رفته را امکان پذیر سازد (Fleury-Bahi, Enric, Navarro, 2017:219).

نظریه «کاهش فشار روانی» اولین و «بازیابی توجه» کاپلان‌ها مهمترین نظریه‌های هدایت کننده بسیاری از پژوهش‌ها در ارتباط با محیط‌های بازیابنده هستند.

نظریه کاهش فشار روانی: به طور مستقیم تحت تأثیر نظریه روانشناسی تکاملی و با تمرکز بر الگوهای عاطفی و زیبایی شناختی ناشی از محرک‌های بصری یک محیط/منظیر، توسط راجر اولریخ تدوین گردید (Hartig, 2004: 276). اولریخ معتقد است که محیط‌های طبیعی می‌توانند واکنش‌های غریزی مثبتی را در افراد شکل داده و با از بین بردن و یا کاهش تاثیرات منفی به خلق یک فرآیند بازیابی کمک نمایند (Nordh et al., 2017:109). بر اساس این نظریه انسان‌ها بر اساس ویژگی‌های تکاملی به ارت شده از گذشتگان خود برای بقا و تداوم حیات به صورت ناخودآگاه و خود به خود جذب برخی محیط‌هایی می‌شوند که دارای ویژگی‌های ذاتی و تکاملی قابل ملاحظه (مانند؛ حضور عناصر طبیعی، پیچیدگی، تقارن، عمق و بافت سطح زمین و غیره) هستند، این محیط‌ها به سرعت احساسات مثبت را برانگیخته و افکار منفی را مسدود می‌نمایند و به ویژگی‌های فیزیولوژیک اجازه می‌دهند که در سطوح پایین‌تری از برانگیختگی قرار گیرند (Steg et al., 2013: 59-60; Roe & Aspinall, 2011: 104).

نظریه بازیابی توجه: در سال ۱۹۸۹ میلادی و در کتاب «تجربه طبیعت» توسط کاپلان‌ها ارائه گردید (Joy & Van den berge, 2019:98). این در برای بررسی رابطه میان بازیابی و ترجیحات محیطی فراهم نمود. بر اساس این نظریه استفاده طولانی مدت و یا فشرده از «تمرکز ارادی»، ظرفیت یک فرد را برای جلوگیری از حواس پری کاهش می‌دهد و منجر به بروز تحریک‌پذیری، اشتباها و عملکردی و تنش‌های روانی بیشتر می‌گردد. این در حالی است که حضور یا دیدن برخی محیط‌ها/ مناظر که درک آنها نیازی به «تمرکز ارادی» ندارد، می‌تواند زمینه را برای استراحت مکانیزم مهار کننده توجه فراهم نموده و ظرفیت «تمرکز ارادی» را در افراد بازیابی نماید (Staats & Hartig, 2004: 199). کاپلان‌ها بر این باورند که محیط‌ها/مناظری که دارای چهار ویژگی زیر باشند می‌توانند سبب شکل گیری فرآیند بازیابی در افراد شوند؛ کیفیت فراغت؛ به تجربه یک فاصله فیزیکی-روانشناسی از افکار، نیازها و مطالبات نگران کننده روزمره اشاره می‌کند. تغییر محیط فیزیکی و یا روانشناسی می‌تواند «توجه ارادی» افراد را برای مدتی از وظایف و امور همیشگی روزمره منحرف نموده و زمینه را برای شکل گیری فرآیند بازیابی فراهم نماید (Nordh et al., 2017: 109).

کیفیت جذابیت؛ زمانی رخ می‌دهد که فرد خود به خود و بدون تلاشی تعمدی از طریق ویژگی‌ها و الگوهای موجود در محیط/منظر به آن جذب و علاقه‌مند می‌شود. این حالت روانشناختی «توجه غیر ارادی» اغلب به عنوان جذابیت نرم شناخته می‌شود و فرصتی را برای بازیابی طرفیت توجه در افراد فراهم می‌کند(Herzog et al., 2003; Nordh et al., 2017:109).

کیفیت انسجام؛ به نظم و پیوستگی در محیط و همچنین فضای کافی برای اکتشاف اشاره دارد(Nordh et al., 2017:109). به عبارت دیگر می‌توان گفت که این کیفیت به وجود حسی از فراخی و بی‌مرزی در محیط اشاره می‌کند در عین این که به دلیل ساختار منسجم و بهم پیوسته محیط، فرد می‌تواند خودش را جزئی از یک محیط بزرگتر در نظر گرفته و مفهوم قلمرو را درک نماید(-Fleury et al., 2003:160).

کیفیت سازگاری؛ به یک تناسب مناسب میان اهداف و نیازهای فرد از حضور در محیط و انواع امکانات و فعالیت‌هایی که فضا برای وی فراهم می‌آورد اشاره می‌کند(Roe & Aspinall, 2011:103). این کیفیت به دلیل اشاره صریح آن به اهداف و تمایلات فردی بسیار گسترده و متنوع است و از موضوعات عام گرفته (حرکت آزادانه، موضوع ایند) تا موضوعات خاصی مانند (انواع بازی‌های ورزشی، بنزین زدن) از پیچیدگی زیادی برخوردار است. بنابراین یک محیط می‌تواند در یک سطح و برای یک فرد از سازگاری برخوردار باشد و در سطحی دیگر و افرادی دیگر قادر به این کیفیت باشد(Herzog et al., 2003:160).

مولقه‌ها و شاخص‌های کلیدی	فرآیند و مدت زمان مورد نیاز برای بازیابی	سازکاری‌های موثر در شکل گیری بازیابی	شرایط نیاز به بازیابی	
وجود عناصر طبیعی/ ویژگی‌های ساختار خوشایند/ عمق-جافت زمین/ عدم وجود دید بصری/ امنیت/ جذابیت/ آب / پوشش های گیاهی ساوانایی/ نقطه کانونی/ غنای بصری/ پیچیدگی	مسود کردن احساسات و افکار منفی از طریق تجربیات لذت بخش و کاهش احساس فشار روانی و دستیابی به بازیابی	سازو کارهای عاطفی- هیجانی	فسار روانی و حالات عاطفی منفی و نیاز به بازیابی	نظریه کاهش فشار روانی (SRT)
دور بودن- گزین/ گستردگی وسعت/ جذابیت/ سازگاری	بکارگیری توجه غیر ارادی و فراهم کردن زمینه تجدید قوای منابع شناختی و دستیابی به بازیابی فرآیند کنترل شناختی	سازو کارهای شناختی	بکارگیری توجه ارادی منجر به خستگی روانی و نیاز به بازیابی	نظریه بازیابی توجه (ART)

تصویر ۱: تفاوت‌های دو نظریه بازیابی توجه و کاهش فشار روانی

این دو نظریه علی‌رغم تفاوت در توصیف شرایطی که نیاز به بازیابی را فراهم می‌کند، به عنوان دو دیدگاه مکمل بر جنبه‌های گوناگون فرآیند بازیابی تمرکز دارند(Saat, 2012: 452).

همانگونه که در تصویر ۱ مشاهده می‌شود عموماً به منظور سنجش اثرات واقعی (شامل سازوکارهای عاطفی- هیجانی) ناشی از وجود کیفیت بازیابی در افراد از نظریه SRT و برای سنجش نحوه ادراک افراد از کیفیت بازیابی و یا بررسی میزان احتمال وجود این کیفیت در انواع محیط‌ها، از نظریه ART استفاده می‌گردد(Fleury-Bahi, Enric, Navarro, 2017:131). بدین ترتیب بر اساس هدف این پژوهش و همچنین شرایط زمانی- مکانی (دوران پاندمیک کووید ۱۹) حاکم که امکان استفاده گسترده از روش‌های سنجش تعییرات واقعی فیزیولوژیکی را با دشواری روبرو ساخت، به منظور ارزیابی نحوه ادراک شهروندان از پتانسیل وجود کیفیت بازیابی در فضاهای شهری روزمره از نظریه ART و ساختهای آن استفاده گردید، علاوه بر چهار شاخص اولیه که توسط کاپلان‌ها مطرح شد، هارتیگ در ادامه پژوهش‌ها در سال ۱۹۹۷ شاخص خوانایی را نیز به عنوان کیفیتی موثر در ایجاد و ادراک کیفیت بازیابی در فضاهای معرفی نمود(Hartig et al., 1997). که پس از آن بارها در پژوهش‌های مشابه همچون (Pazhouhanfar & Kamal, 2014) مورد استفاده قرار گرفت. بر این اساس با توجه به کاربرد گسترده و اثبات شده این شاخص‌ها در ارزیابی کیفیت بازیابی، در این پژوهش نیز از شاخص‌های فراغت، سازگاری، انسجام، جذابیت و خوانایی در کنار فشار روانی و میزان علاقه مندی شهروندان به عنوان متغیرهای پژوهش استفاده گردید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های روانشناسی محیطی از اوخر دهه ۱۹۶۰ میلادی سهم قابل ملاحظه‌ای از مطالعات رابطه میان انسان- محیط را به خود اختصاص داده و همواره بر مزایای محیط‌های طبیعی در کاهش فشار روانی و بهبود شرایط خلقی- کارکردی افراد که امروزه تحت عنوان «کیفیت بازیابی» تعریف می‌شود، تاکید ورزیده است (Subiza-Perez et al., 2019:2). بدین ترتیب بخش قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌ها به بررسی تاثیرات مثبت مشاهده و یا حضور در محیط‌های طبیعی همچون جنگل‌ها، پارک‌ها، باغ‌های گیاه‌شناسی، مناظر طبیعی شامل رودها، کوه‌ها، سواحل، درختان، گل‌ها و غیره (Staats et al, 2016, Carrus et al, 2017, Lindal and Hartig, 2015, Nordh et al, 2009) اخصاص یافته است. تمرکز گسترده مبانی نظری و پژوهش‌های کاربردی بر محیط‌های طبیعی سبب شده است که وجود امکان بالقوه کیفیت بازیابی در محیط‌های روزمره شهری مورد غفلت واقع شود (Staat, 2012:4). اما شواهد و نتایج تعدادی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از محیط‌های مصنوع و انسان ساخت نیز می‌توانند در برگیرنده این کیفیت باشند (Weber & Trojan, 2018).

در سال ۲۰۰۴ طی پژوهشی که توسط اسکاپیلیتی و جولیانی انجام گرفت از مردم خواسته شد، مکان‌هایی را نام ببرند که در آنها کیفیت «بازیابی» را تجربه می‌کنند. نتایج گویای این بود که نه تنها تمایز عمدahای میان محیط‌های شهری با محیط‌های طبیعی دیده نمی‌شود، بلکه گرایش به سمت مکان‌هایی وجود داشت که فعالیت‌های فراغتی خاصی (مانند؛ رفتن به سینما، پارک، موزه و یا گذران وقت در رستورانها و غیره) در آنها در جریان است (Scopelliti and Giuliani, 2004). به گفته بام احتمالاً فرصت‌های فراغت و تفریح که به راحتی در محیط‌های روزمره در دسترس هستند، می‌توانند مزایای بیشتری نسبت به استراحت و یا تفریح در محیط‌های طبیعی فراهم کنند. همین مشاهده ساده و در عین حال مهم نشان می‌دهد که بیشترین رفتارهای مربوط به فراغت، در خانه‌ها و اطراف آن، در محیط‌های کار و یا در زمان‌های فراغت ایجاد شده در حین فعالیت‌های اجباری رخ می‌دهند. بر همین اساس پژوهش‌های متنوعی بر روی انواع محیط‌هایی که مردم در طول زندگی روزمره با آنها روبرو می‌شوند (مانند میادین شهری San Juan et al., 2017)، خیابان‌های شهری (Hernández and Hidalgo, 2005)، مراکز خرید با مال‌ها (Rosenbaum et al., 2016)، اماکن تاریخ و تفریحی (Stigsdotter et al., 2017 & Fornara, Troffa, 2009)، موزه‌ها و سینماها (Scopelliti and Giuliani, 2004)، کافی شاپ‌ها (Rosenbaum et al, 2009& Mejía-Castillo et al, 2016)، عبادتگاه‌ها (Herzog & et al., 2010)، آرامستان‌ها (Nordh et al., 2017)، محوطه‌های دانشگاه‌ها (Hipp et al., 2016) انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش‌ها بیانگر دو نکته مهم است؛ نخست آنکه محیط‌های مصنوع نیز می‌توانند مشابه محیط‌های طبیعی از تاثیرات بازیابندگی برخوردار باشند و دوم آنکه ابعاد هیئتی- شخصی و فرهنگی شهروندان نیز نقش مهمی در این میان بازی می‌کنند.

یافته‌های حاصل از مطالعات انجام گرفته توسط (Rosenbaum et al, 2009, Roe & Aspinall, 2011, Bagot et al, 2015, Mejía - Castillo et al, 2016) بیانگر این است که افراد با گروه‌های جنسی و سنی مختلف در انتخاب فضاهای و نحوه ادراک و ارزیابی کیفیت بازیابی متفاوت عمل می‌کنند. همچنانکه مطالعه (Hoyle et al., 2017) نشان داد که نوع و سطح تحصیلات نیز می‌توانند تاثیر گذار باشند.

کورپلا و همکارانش مفهومی تحت عنوان «مکان‌های مورد علاقه» را به مبحث محیط‌های بازیابنده اضافه نمودند. کورپلا و هارتیگ (Korpela and Hartig, 1996) معتقدند که تجربیات بازیابنده در یک فرآیند درونی عاطفی- احساسی تحت تاثیر محیط در افراد شکل می‌گیرد و منجر به ایجاد و ارتقای هویت مکانی و شکل گرفتن مفهوم «حس تعلق به مکان» و «مکان مورد علاقه» می‌شود. کورپلا و همکارانش (Korpela,Hartig,Kiaser,2001) در پژوهشی که بر روی یک نمونه ۱۹۹ نفری از دانشجویان انجام گرفت، دریافتند که بین شکل‌گیری احساساتی چون؛ آرامش، دوری از زندگی روزمره و نگرانی‌ها و تأمل در امور شخصی با حضور در مکان‌های مورد علاقه مردم و تجربه کیفیت بازیابی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنانکه محیط‌های طبیعی به دفعات به عنوان محیط‌های مورد علاقه دانشجویان که از کیفیت بازیابی برخوردار بودند، مورد اشاره قرار گرفتند. علاوه بر این مشاهده شد که چهار شاخص تعیین کننده کیفیت بازیابی بر اساس نظریه ART (فراغت، سازگاری، انسجام و جذابیت) در تمام مکان‌های مورد علاقه دانشجویان از امتیاز بالایی برخوردارند. در همین راستا (Korpela et al., 2008) در پژوهشی دیگر ضمن شناسایی ده عامل تعیین کننده در شکل گیری تجربه‌های بازیابنده (شامل؛ تعداد و مدت زمان استفاده از فضای تجربیات و نگاه فرد به طبیعت، شرایط زندگی فردی و اجتماعی افراد، نحوه تعاملات اجتماعی و غیره)، دریافتند که افزایش مدت حضور در مکان‌های مورد علاقه، می‌تواند تاثیرات بازیابنده قوی بر جای بگذارد، همچنانکه ارتباط مستقیمی میان احساس تعلق به مکان با «مکان‌های مورد علاقه» وجود دارد. همچنین نشان داده شد که بین نیاز به تجربه بازیابی و استفاده از مکان‌های مورد علاقه ارتباط معناداری وجود دارد، اگرچه تجربیات بازیابنده در محیط‌های مورد علاقه که دارای ویژگی‌های طبیعی بودند از تاثیرات قوی تری

برخوردار بود(Korpela et al., 2010). راتکلیف و کورپلا(Ratcliffe & Korpela,2016) در مطالعه‌ای نشان دادند که خاطرات و حس تعلق به مکان به گونه موثری بر شکل گیری کیفیت بازیابی، ارزیابی ذهنی و رتبه‌بندی محیط‌های مورد علاقه توسعه مردم موثراند. همچنان که مشاهده شد پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص محیط‌های بازیابنده و مورد علاقه مردم از تعدد کافی به لحاظ همه شمولی و پوشش همه ابعاد مختلف تأثیرگذار برخوردار نیستند. تنها در یک مورد به بررسی شاخص‌های کیفیت بازیابی در محیط‌های مورد علاقه افراد پرداخته شده است، آن‌هم در جامعه آماری دانشجویان که به لحاظ ویژگی‌های فردی-هویتی، فرهنگی-اجتماعی و شاخص‌های سلامت روانی از تنوع موجود در میان عامه شهروندان برخوردار نیستند. مطالعات مشابه در پستر بومی کشورمان نیز وجود ندارند، لذا پژوهش حاضر برای نخستین بار در بستر کشور و شهر مشهد در پی بسترسازی و پاسخ به بخشی از خلاهای مطالعاتی در این حوزه انجام گرفت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت پیچیده و چند بعدی موضوع با نگاهی پرآگماتیسمی بدنیال بسط مبانی نظری و توسعه راهکارهای کاربردی است. در این راستا در گام نخست از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌های نظری مورد نیاز و سپس از طریق راهبرد پیمایشی و با استفاده از شیوه عکس برداری متخصص محور و پرسشنامه محقق ساخت به گردآوری داده‌های میدانی پرداخته شده است. برای تبیین ارتباط معنادار بین متغیرهای پژوهش نیز از آزمون همبستگی پیرسون به عنوان پیش فرض و سپس از روش تحلیل آماری رگرسیون گام به گام و آزمون چند دامنه‌ای دانکن استفاده گردید. همچنانکه گفته شد هدف از این پژوهش ارزیابی نحوه ارتباط میان، میزان علاقه مندی شهروندان با سطوح متفاوت سلامت روانی (دارای فشار روانی/افق فشار روانی) با چگونگی ادراک کیفیت بازیابی در فضاهای شهری روزمره است. به منظور دست یابی به متغیرهایی قابل سنجش که از اعتبار کافی نیز برخوردار باشند، از کیفیت‌های مطرح در نظریه ART (فراغت، سازگاری، انسجام، جذابیت و خوانایی) استفاده گردید. بدین ترتیب شاخص‌های فوق الذکر به همراه فشار روانی و میزان علاقه مندی به فضای شهری این پژوهش از طریق پرسشنامه محقق ساخت مورد ارزیابی قرار گرفتند.

پرسشنامه محقق ساخت شامل سه بخش؛ ۱. اطلاعات فردی- هویتی، ۲. ارزیابی کیفیت بازیابی فضاهای شهری منتخب (به صورت تصویری) و ۳. ارزیابی فشار روانی در افراد است. در بخش ارزیابی کیفیت بازیابی از نسخه ۵ گویه‌ای، یکی از پرکاربردترین پرسشنامه‌های استاندارد به نام «مقیاس بازیابی ادراک شده-PRS» استفاده گردید. برتو (Berto,2005) به عنوان معرف نسخه پنجم گویه‌ای، ضربی آلفای کرونباخ این نسخه را، ۰/۷۹ و کاروس و همکارانش (Carrus et al., 2013) عدد ۰/۸۷ و هیدالگو و همکارانش نیز (Hidalgo et al., 2013) رقم ۰/۸۰ را ذکر کردند که همگی بیانگر پایایی و پاسخگویی مناسب این نسخه کوتاه شده است. در این بخش قبل از ارائه تصاویر منتخب هر فضای شهری، از یک سناریوی توصیفی که بیانگر وجود حالتی از فشار روانی در افراد است، استفاده گردید. این سناریو، یک زمینه روحی روانی استاندارد و قابل قبول در همه پاسخ دهنده‌گان ایجاد می کند که در بسیاری از پرسشنامه‌ها و مطالعات مشابه (Herzog et al., 2003; Nordh et al., 2009; Staats et al., 2016; Lindal & Hartig,2013; Lindal & Hartig,2015) نیز بکار رفته است. در بخش سنجش فشار روانی نیز یکی از متدائل ترین پرسشنامه‌های خوداظهاری به نام «مقیاس فشار روانی ادراک شده-PPS» انتخاب گردید که برای اولین بار توسط کوهن و همکارانش در سال ۱۹۸۳ ارائه شد. این پرسشنامه نیز دارای سه نسخه ۱۴، ۱۰ و ۴ گویه‌ای است، بررسی ضربی آلفای کرونباخ اشکال گوناگون این پرسشنامه در مجموعه ای از مطالعات انجام گرفته که بین ۰/۶ تا ۰/۱۱ می باشد گویای اعتبار درونی، بیرونی و رضایت بخش بودن خصوصیات روان سنجی این ابزار است (Lee,2012, Taylor,2015) عکس‌های مورد استفاده در پرسشنامه، توسط محقق با استفاده از دوربین مدل D700 با لنز ۱۸-۱۳۵ میلی متری و با زاویه دید انسان با قد متوسط ۱۶۵ متر، در دو بازه زمانی ۷ تا ۸ صبح و ۵ تا ۶ عصر تهیه گردید. ۵۴۷ عدد عکس تهیه شده، در دو مرحله توسط محقق و دو متخصص شهرسازی، از منظر شاخص‌های مد نظر پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند و نهایتاً ۶ عدد عکس از هر خیابان (مجموعاً ۳۶ عدد) انتخاب گردید (تصویر ۲). جهت افزایش روایی محتوایی و انطباق با زمینه تحقیق، پرسشنامه با نظر اساتید دانشگاهی مجدداً بررسی و اصلاح گردید. ضربی آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۹۵۳ است که بیانگر پایایی بالای آن است.

به منظور تعیین حجم نمونه آماری از نرم افزار PASS-15 به عنوان یکی از کاربردی‌ترین نرم افزارهای آماری استفاده شد. بر پایه اطلاعات اولیه شامل؛ حجم جامعه آماری (جمعیت ساکن شهر مشهد)، توان آزمون، آزمون آماری مد نظر و غیره، حجم نمونه ۱۵۷ نفر محاسبه گردید.

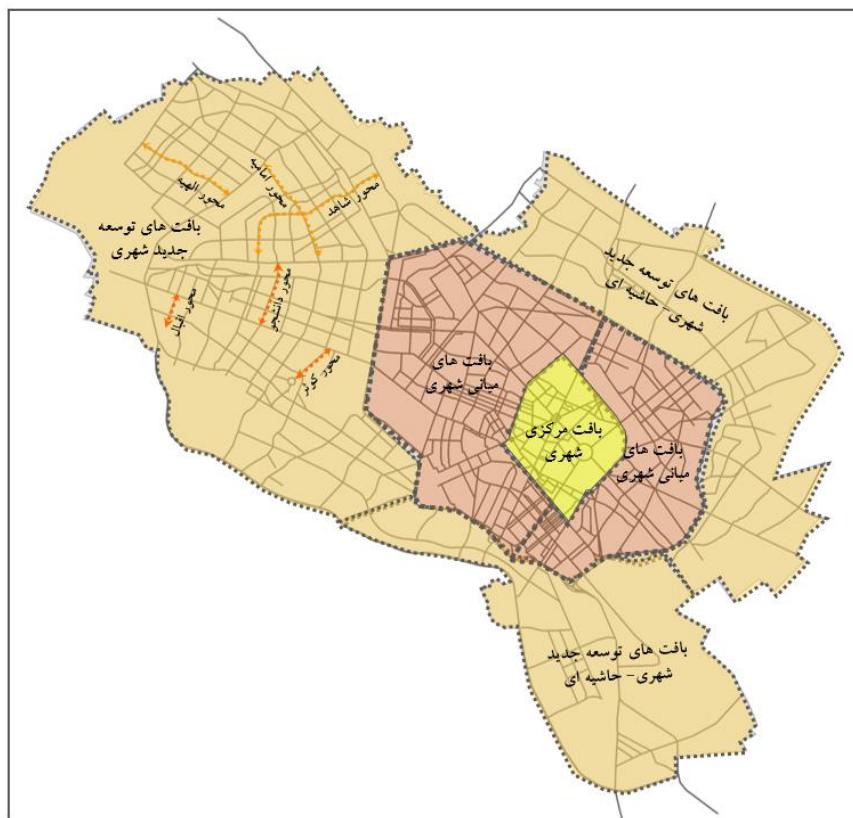


تصویر ۲: نمونه‌ای از تصاویر بکار رفته در پرسشنامه

انتخاب فضاهای شهری نمونه: شهر مشهد به عنوان میراث مذهبی و فرهنگی مردم ایران و با عنایت به جایگاه ویژه ژئوپلیتیک خود، به عنوان دومین کلانشهر کشور از جایگاه و کارکرد بسیار حائز اهمیتی در ساختار نظامهای سکونتی، زیارتی - گردشگری و اقتصادی برخوردار است، اما در طول سالیان گذشته و در روند توسعه شهر و گذار از الگوی زیست قدیم به الگوی زیست جدید، نه تنها بسیاری از فضاهای شهری اصیل و با قدمت خود را از دست داده است بلکه در خلق فضاهای جدید کارآمد و مطلوب نیز چندان موفق نبوده است.

فضاهای همگانی شهر مشهد را می‌توان در چهار گروه؛ گره‌ها (شامل میادین عمومی با مقیاس‌های عملکردی متفاوت)، مسیرها (شامل انواع خیابان‌ها با مقیاس‌های عملکردی متفاوت و راسته بازارها)، ورودی‌ها و مکان‌های خاص (شامل مکان‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی) تقسیم بنده نمود. در این میان مسیرها بیش از میادین و ورودی‌ها دارای کارکرد فضای شهری هستند چرا که گره‌ها یا اشکال مختلف میدان‌های شهری و ورودی‌ها بیش از آنکه یک فضای شهری باشند به گره‌های ترافیکی مبدل شده‌اند و امکان مکث، توقف و برقراری تعاملات اجتماعی در آن‌ها بسیار ضعیف و بعضًا غیر ممکن است. به منظور کاهش و تعدیل اثرات پیش زمینه‌های تاریخی و سایر ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی مرتبط بر فضاهای شهری که بر قضاوت و ارزیابی شهروندان تأثیر گذارند و تاکید بیشتر بر ابعاد کالبدی - کارکردی، نمونه‌ها از میان بافت‌های توسعه جدید انتخاب شدند (تصویر ۳).

در انتخاب این محورها مواردی همچون؛ حضور فعال عابر پیاده، تنوع در عملکرد و مقیاس کارکردی، تنوع در ویژگی‌های کالبدی - بصری، سابقه سکونت و پیشینه شکل گیری متفاوت مدنظر قرار گرفت و نهایتاً ^۶ محور(دانشجو، اقبال، کوثر، امامیه، الهیه و شاهد) به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس این محورها به لحاظ نوع فعالیت، مقیاس عملکردی، ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و بصری مورد ارزیابی قرار گرفتند (جدول ۱).



تصویر ۳: موقعیت مکانی خیابان‌های انتخاب شده در سطح شهر

جدول ۱: ویژگی‌های خیابان‌های منتخب

ردیف.	نام محورها	کاربری و فعالیت غالب	مقیاس عملکرد	نوانه‌های کالبدی- عملکردی	وجود های رفتاری شاخص	تعاملات اجتماعی	فضای سبز متمرکز	فضای سبز حاشیه‌ای	وجود پارک و فضای سبز	وجود	عنصر طبیعی (آب، گلهای و گیاهان)	وجود سایر عناصر طبیعی	وجود سایر عناصر طبیعی (آب، گلهای و گیاهان)
۱	اقبال	مختلط مسکونی و خدمات ناحیه‌ای			✓	-	✓	-	✓				
۲	الپیه	مختلط مسکونی- تجاری			✓	-	-	-	✓				
۳	دانشجو	مختلط تجاری و خدماتی			✓	✓	✓	✓	✓				
۴	امامیه	مختلط تجاری، آموزشی و اداری			✓	✓	✓	✓	✓				
۵	کوثر	مختلط تجاری- خدماتی			✓	✓	✓	✓	✓				
۶	شاهد	مختلط تجاری- خدماتی			✓	✓	✓	✓	✓				

یافته‌های تحقیق

جدول ۲ یافته‌های توصیفی مربوط به اطلاعات هویتی-فردی پاسخگویان را نشان می‌دهد.

متغیر	طبقه	فراآنی	درصد
جنسیت	زن	۹۸	۶۲/۴۲
	مرد	۵۹	۳۷/۵۸
	مجموع	۱۵۷	۱۰۰
سن	۲۴-۱۵	۱۳	۸/۲۸
	۴۴-۲۵	۱۱۰	۷۰/۰۶
	۶۴-۴۵	۳۲	۲۰/۳۸
میزان تحصیلات	۶۵ سال و بیشتر	۲	۱/۲۷
	مجموع	۱۵۷	۱۰۰
	زیر دبیلم	۱	۰/۶۴
محورها	دبیلم	۲۷	۱۷/۲۰
	لیسانس	۵۱	۳۲/۴۸
	فوق لیسانس	۵۵	۳۵/۰۳
محور	دکتری و بالاتر	۲۳	۱۴/۶۵
	مجموع	۱۵۷	۱۰۰

در ابتدا با توجه به اینکه پرسشنامه محقق ساخت به صورت آنلاین و از طریق شبکه‌های مجازی توزیع و تکمیل گردید و هیچ گونه محدودیتی در ویژگی‌ها و شاخص‌های فردی-هویتی افراد منظور نشد. لذا با هدف تشخیص و تعیین نوع آزمون‌های آماری مورد استفاده (آزمون‌های پارامتری/نپارامتری)، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، جهت سنجش وضعیت نرمال بودن داده‌ها استفاده گردید. نتایج نشان داد که داده‌ها نرمال بوده و امکان بهره گیری از آزمون‌های آماری پارامتریک وجود دارد.

جدول ۳: معناداری کیفیت بازیابی و نتایج آزمون دانکن به تفکیک محورها

محور	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
محورها	۸۴۱۶/۱۸	۵	۱۶۸۳/۲۴	۸۲/۳۰	۰/۰۰۰
	۱۹۲۶۵/۵۷	۹۴۲	۲۰/۴۵		
نتایج آزمون دانکن		۹۴۷	۲۷۶۸۱/۷۴		جمع
محور دوم	۴/۳۶۴۳	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
	۸/۴۲				
محور پنجم	۱۰/۱۴				
	۱۱/۲۵۳۵				
محور اول	۱۲/۱۱۰۱				
	۱۳/۶۰۲۵				

سپس در گام نخست به منظور بررسی وضعیت کیفیت بازیابندگی هر محور، از دیدگاه شهروندان، امتیاز ۵ شاخص تعریف کننده این کیفیت به تفکیک محورها جمع گردید، با استفاده از آزمون آنالیز واریانس با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون برابر $0/000$ و کمتر از $0/0005$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت محورها به لحاظ کیفیت بازیابی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند، اگرچه نتایج آزمون دانکن نشان داد که

محورهای اول و ششم (محور اقبال و شاهد) از لحاظ امتیاز کیفیت بازیابی، تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند در حالی که ارزیابی کیفیت بازیابی در سایر محورها دارای تفاوت معناداری است. (جدول ۳)

در مجموع با توجه به نتایج آزمون دانکن می‌توان گفت محور سوم (محور دانشجو) دارای بیشترین میزان کیفیت بازیابی بوده و پس از آن به ترتیب محور ششم (محور شاهد)، محور اول (محور اقبال)، محور پنجم (محور کوثر)، محور چهارم (محور امامیه) و در آخر محور دوم (محور الهیه) قرار دارند. سپس در مرحله بعد به منظور بررسی هدف پژوهش؛ ارتباط میان میزان علاقه مندی شهروندان به محورها با شاخص‌های موحد کیفیت بازیابی، همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، با استفاده از آزمون آنالیز واریانس به بررسی ارتباط کیفیت بازیابی و میزان علاقه مندی شهروندان پرداخته شد. از آنجاییکه سطح معناداری در تمام محورها برابر $0/000$ و کمتر از $0/05$ است و از سوی دیگر سطح معناداری ضریب همبستگی نیز در تمام محورها کمتر از $0/005$ و نزدیک به $0/000$ است، می‌توان گفت که ارتباط معنادار قوی و مثبتی میان متغیرهای مورد نظر وجود دارد. پس از اثبات معناداری ارتباط میان کیفیت بازیابی و میزان علاقه مندی شهروندان به خیابان‌ها، در گام دوم از روش رگرسیون گام به گام برای بررسی و تحلیل نحوه ارتباط میان شاخص‌های موحد کیفیت بازیابی و میزان علاقه مندی در ارتباط با وجود و یا عدم وجود فشار روانی در شهروندان استفاده گردید. در این آزمون، میزان علاقه مندی به فضای به عنوان متغیر مستقل و شاخص‌های فراغت، سازگاری، انسجام، جذابیت، خوانایی و فشار روانی به عنوان متغیرهای وابسته تعریف شدند و آزمون مربوطه به تکیک محورها انجام گرفت.

جدول ۴: نتایج همبستگی و معناداری میان کیفیت بازیابی و میزان علاقه مندی شهروندان به خیابان‌ها

ارتباط میان میزان علاقه مندی به فضای شهری با کیفیت بازیابی	علائقه مندی
ضریب همبستگی محور اول	$0/809$
	$0/000$
	$0/795$
	$0/000$
ضریب همبستگی محور دوم	$0/818$
	$0/000$
	$0/784$
	$0/000$
ضریب همبستگی محور سوم	$0/704$
	$0/000$
	$0/858$
	$0/000$
ضریب همبستگی محور چهارم	$0/858$
	$0/000$
	$0/791$
	$0/000$
ضریب همبستگی محور پنجم	$0/858$
	$0/000$
	$0/791$
	$0/000$
ضریب همبستگی محور ششم	$0/858$
	$0/000$
	$0/791$
	$0/000$

مأخذ: مطالعات نگارندگان

در محور اول (خیابان اقبال) مقدار آماره دوربین واتسون، برابر با $2/18$ است که نشان از عدم خود همبستگی بین متغیرهای این محور دارد. برای دستیابی به مناسبترین ضریب تعیین چندین مدل بررسی شد و مدلی که بالاترین میزان ضریب تعیین ($0/79$) را بدست می‌آورد با شاخص‌های جذابیت، خوانایی و فراغت تعریف گردید، به عبارت دیگر می‌توان گفت که از دیدگاه شهروندان میزان علاقه مندی به این محور به میزان $0/79$ تحت تأثیر تغییرات شاخص‌های فوق الذکر است. همچنین تحلیل رگرسیونی انجام شده، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده، در سطح 95 درصد ($0/0000$) معنادار است (جدول ۵). بر اساس جدول ۶، سه شاخص جذابیت، فراغت و خوانایی با سطوح معناداری کمتر از $0/05$ و با ضرایب B مثبت، دارای ارتباط معنادار مستقیمی با متغیر مستقل هستند، به عبارت دیگر هر چه این شاخص‌ها از کیفیت مطلوبتری برخوردار بوده و از دیدگاه شهروندان با امتیاز بالاتری مورد ارزیابی قرار گیرند، میزان علاقه مندی به این محور نیز افزایش می‌باید. اما در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته در معادله رگرسیون باید از مقادیر بتا استاندارد شده استفاده کرد (کلانتری، ۱۳۹۱). بر همین اساس می‌توان گفت که شاخص جذابیت بیش از شاخص‌های فراغت و خوانایی در پیش‌بینی متغیر علاقه به فضاهای شهری موثر است.

همچنان که در جداول ۵ و ۶ مشاهده می‌گردد؛ در محور دوم(خیابان الهیه) نیز بالاترین میزان ضریب تعیین(۰/۷۶) در مدلی با وجود شاخص‌های جذابیت و خوانایی تعریف گردید. معنی دار بودن تحلیل رگرسیونی انجام شده نیز به وسیله آماره F محاسبه شده است که در سطح ۹۵ درصد(۰۰۰۰) معنی دار است. با توجه به سطوح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و ضرایب B مثبت در دو شاخص فوق الذکر می‌توان گفت که ارتباط معنادار مستقیمی میان وجود شاخص‌های جذابیت و خوانایی با میزان علاقه مندی شهروندان به این محور وجود دارد. بررسی مقادیر بتا حاکی از این است که شاخص جذابیت بیش از شاخص خوانایی در پیش بینی متغیر علاقه به فضای شهری در این محور موثر است. در محور سوم(خیابان دانشجو)، بالاترین ضریب تعیین، مقدار ۰/۷۹، در مدلی با شاخص‌های جذابیت، فراغت و فشار روانی تعریف گردید. سطح معناداری ۰/۰۰ که به وسیله آماره F محاسبه گردید بیانگر معنی دار بودن تحلیل رگرسیونی انجام شده است(جدول ۵). همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می‌گردد سطوح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و ضرایب B مثبت حاکی از وجود یک ارتباط معنادار مستقیم میان شاخص‌های فوق الذکر با متغیر وابسته است، از طرف دیگر بررسی ضریب بتا نشان می‌دهد که شاخص‌های جذابیت، فراغت و فشار روانی به ترتیب از بیشترین میزان اهمیت و تاثیر گذاری در پیش بینی متغیر وابسته برخوردار هستند.

جدول ۵: نتایج آزمون رگرسیون گام به گام در محورهای مورد مطالعه

محور اول	محورها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری	ضریب تعیین	آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین	آماره						
رگرسیون باقیمانده ها	محور اول خیابان اقبال	۴۲۵/۰۸۶	۴	۱۰۶/۲۷۲	۱۵۰/۱۵۲	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۱۰۸/۲۸۷	۱۵۳	۰/۷۰۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۵۳۳/۳۷۳	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
رگرسیون باقیمانده ها	محور دوم خیابان الهیه	۱۱۳/۱۷۳	۴	۲۸/۲۹۳	۱۲۴/۰۲۷	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۳۴/۹۰۳	۱۵۳	۰/۲۲۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۱۴۸/۰۷۶	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
رگرسیون باقیمانده ها	محور سوم خیابان دانشجو	۱۳۸/۱۱۶	۴	۳۴/۵۲۹	۱۴۹/۴۳۴	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۳۵/۳۵۳	۱۵۳	۰/۲۳۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۱۷۳/۴۶۸	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
رگرسیون باقیمانده ها	محور چهارم خیابان امامیه	۱۸۲/۱۰۳	۳	۶۰/۷۰۱	۱۸۲/۶۸۶	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۵۱/۱۶۹	۱۵۴	۰/۳۳۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۲۳۳/۲۷۲	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
رگرسیون باقیمانده ها	محور پنجم خیابان کوثر	۱۷۲/۱۸۲	۳	۵۷/۳۹۴	۱۵۱/۸۷۲	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۵۸/۱۹۸	۱۵۴	۰/۳۷۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۲۳۰/۳۸۰	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
رگرسیون باقیمانده ها	محور ششم خیابان شاهد	۱۷۱/۸۱۲	۵	۳۴/۳۶۲	۱۳۸/۸۹۰	۰...۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		۳۷/۶۰۶	۱۵۲	۰/۲۴۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کل	۲۰۹/۴۱۸	۱۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

محور چهارم (امامیه) نیز وجود سطح معناداری ۰/۰۰۰ که از طریق آماره F محاسبه شده است بیانگر معنادار بودن تحلیل رگرسیونی انجام شده در این محور است. مدلی که بالاترین ضریب تعیین یعنی ۰/۷۸ را معرفی نمود، با وجود شاخص‌های جذابیت و فشار روانی تعریف گردید. از سوی دیگر بررسی سطح معناداری و ضرایب B نیز بیانگر وجود ارتباط معنادار میان شاخص‌های فوق الذکر با متغیر وابسته است، اگرچه بر مبنای ضریب بتا(۰/۰۸۵) شاخص فشار روانی و میزان علاقه مندی به فضای شهری دارای ارتباط معنادار معکوسی هستند، به عبارت دیگر وجود فشار روانی در افراد منجر به کاهش میزان علاقهمندی به فضاهای می‌گردد. در محور پنجم(خیابان کوثر)، نتایج مدل حاصل از

تحلیل‌های آماری با بالاترین ضریب تعیین (۰/۷۴) چنان که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌گردد، بیانگر وجود ارتباط معنادار مستقیم و قوی میان شاخص‌های جذابیت و فشار روانی با متغیر وابسته است. بررسی ضریب بتا نشان می‌دهد که شاخص جذابیت بیش از شاخص فشار روانی در پیش‌بینی میزان علاقه مندی شهروندان به فضاهای شهری نقش دارد. بررسی سطح معناداری تحلیل آماری انجام گرفته در محور ششم (خیابان شاهد) که از طریق آماره F محاسبه شده بیانگر معنادار بودن مدل در سطح بالایی است. این مدل با حداکثر ضریب تعیین حاصله (۰/۸۲) با وجود شاخص‌های جذابیت، خوانایی، فراغت و سازگاری تعریف شده است (جدول ۵). بررسی سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ در تمام شاخص‌ها به همراه ضرایب B مربوطه بیانگر وجود ارتباط معنادار مستقیمی میان شاخص‌های فوق الذکر با متغیر وابسته است. بررسی ضریب بتا نشان می‌دهد که شاخص جذابیت بیش از سه شاخص دیگر در پیش‌بینی متغیر وابسته موثر است، در حالی که شاخص‌های خوانایی و فراغت از اهمیتی یکسان و شاخص سازگاری از کمترین نقش و جایگاه در پیش‌بینی متغیر میزان علاقه مندی به فضای شهری برخوردارند.

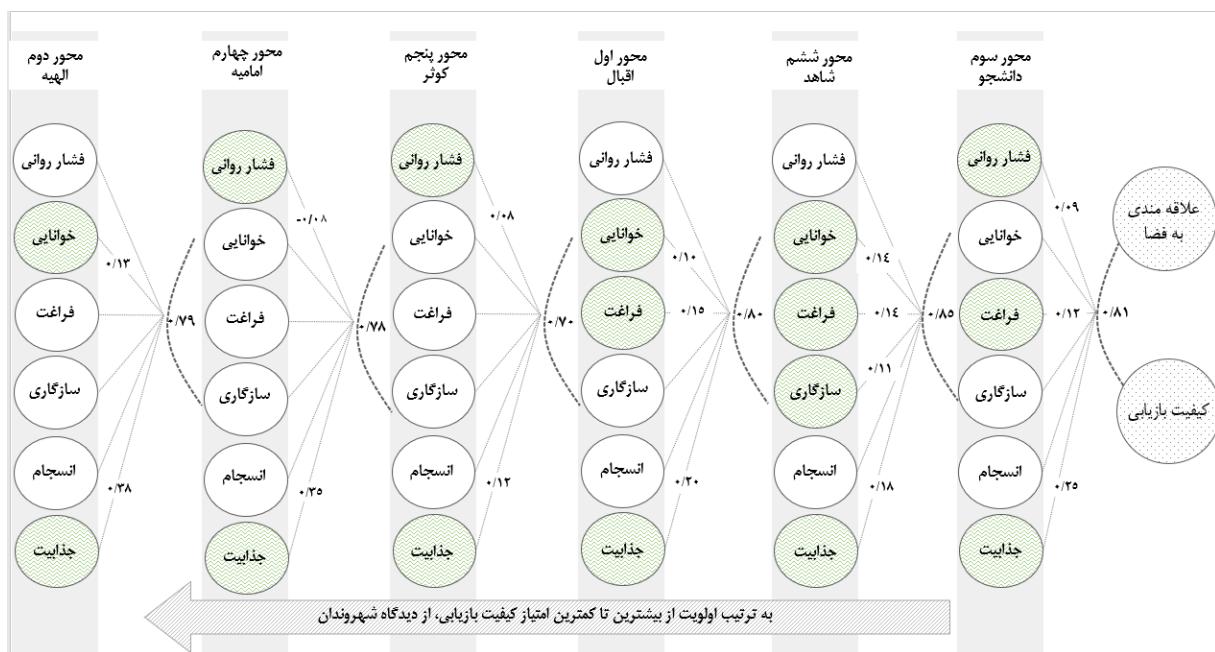
جدول ۶: ضرایب مدل در محورهای مورد مطالعه

سطح معناداری	آماره t	ضریب استاندارد شده			محورها	شاخص‌های موثر
		ضریب بتا	انحراف استاندارد	ضریب B		
۰/۶۴۳	-۰/۴۶۵	-	۰/۲۰۲	-۰/۰۹۴		مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۳/۴۵۹	۰/۲۰۵	۰/۰۸۵	۰/۲۹۴	محور اول	شاخص جذابیت
۰/۰۱۱	۲/۵۷۵	۰/۱۰۴	۰/۰۷۱	۰/۱۸۴	خیابان اقبال	شاخص خوانایی
۰/۰۱۳	۲/۵۰۷	۰/۱۵۲	۰/۰۸۶	۰/۲۱۵		شاخص فراغت
۰/۰۲۲	۲/۳۱۰	-	۰/۲۲۲	۰/۵۱۳		مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۶/۲۴۵	۰/۳۸۴	۰/۰۶۷	۰/۴۱۷	محور دوم	شاخص جذابیت
۰/۰۰۵	۲/۸۴۵	۰/۱۳۱	۰/۰۳۸	۰/۱۰۷	خیابان الهیه	شاخص خوانایی
۰/۱۵۲	-۱/۴۳۹	-	۰/۲۱۱	-۰/۳۰۴		مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۳/۷۳۰	۰/۲۵۳	۰/۰۷۱	۰/۲۶۶	محور سوم	شاخص جذابیت
۰/۰۱۵	۲/۴۶۴	۰/۰۹۰	۰/۰۹۷	۰/۲۳۸	خیابان داشجو	شاخص فشار روانی
۰/۰۳۸	۲/۰۹۰	۰/۱۲۳	۰/۰۵۶	۰/۱۱۷		شاخص فراغت
۰/۰۱۷	۲/۴۰۵	-	۰/۲۳۱	۰/۵۵۵		مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۷۱۲	۰/۳۵۵	۰/۰۶۹	۰/۳۹۲	محور چهارم	شاخص جذابیت
۰/۰۲۷	-۲/۲۳۴	-۰/۰۸۵	۰/۱۱۷	-۰/۲۶۰	خیابان امامیه	شاخص فشار روانی
۰/۱۶۹	-۱/۳۸۲	-	۰/۲۴۸	-۰/۳۴۳		مقدار ثابت
۰/۰۱۳	۲/۵۱۳	۰/۱۲۷	۰/۰۵۶	۰/۱۴۱	محور پنجم	شاخص جذابیت
۰/۰۴۳	۲/۰۳۹	۰/۰۸۳	۰/۱۲۳	۰/۲۵۱	خیابان کوثر	شاخص فشار روانی
۰/۰۲۸	-۲/۲۲۳	-	۰/۱۱۳	-۰/۲۵۲		مقدار ثابت
۰/۰۰۲	۳/۱۱۱	۰/۱۸۸	۰/۰۶۶	۰/۲۰۵		کیفیت جذابیت
۰/۰۰۷	۲/۷۳۲	۰/۱۴۰	۰/۰۵۶	۰/۱۵۲	محور ششم	کیفیت خوانایی
۰/۰۱۱	۲/۵۷۳	۰/۱۴۰	۰/۰۵۶	۰/۱۴۴	خیابان شاهد	کیفیت فراغت
۰/۰۴۰	۲/۰۷۰	۰/۱۱۱	۰/۰۵۹	۰/۱۲۲		کیفیت سازگاری

بحث و نتیجه گیری

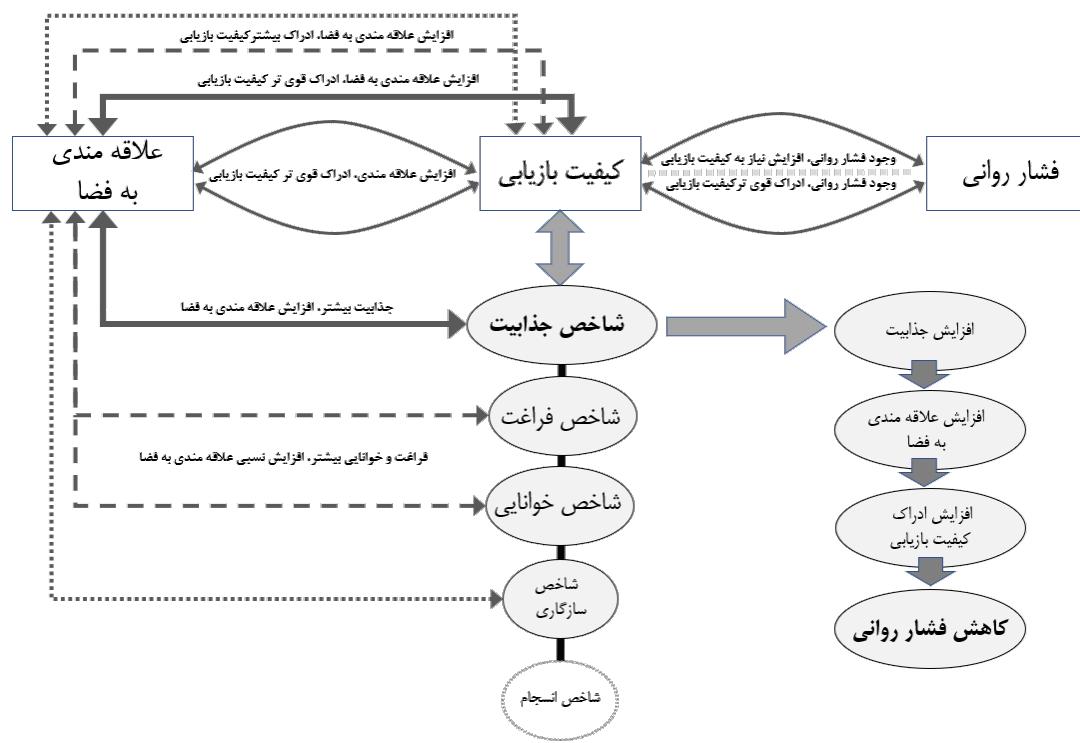
این پژوهش با هدف بررسی ارتباط میان میزان علاقه مندی شهروندان به فضاهای شهری با نحوه ادراک کیفیت بازیابی در آن-ها و همچنین بررسی میزان تاثیر گذاری شاخص‌های موجود کیفیت بازیابی با استفاده از آزمون‌های آنالیز واریانس و روش

رگرسیون گام به گام انجام گرفت. با توجه به اینکه فضاهای شهری می‌توانند خصلت‌های کالبدی و عملکردی کاملاً متنوع و متفاوتی داشته و از این منظر تاثیرات ادراکی-احساسی متفاوتی نیز بر شهروندان بر جای بگذارند، تلاش گردید خیابان‌هایی با ویژگی‌های متفاوت کالبدی، کارکردی و هویتی انتخاب شوند تا میزان همه شمولی نتایج افزایش یابد. یافته‌های اماراتی نشان داد که همه این محورها از دیدگاه شهروندان دارای کیفیت بازیابی هستند، بنابراین می‌توان گفت در انطباق با یافته‌های (Hartig & al., 1997) فضاهای مصنوع شهری نیز می‌توانند همانند فضاهای طبیعی از کیفیت بازیابی برخوردار باشند. از این میان سه محور دانشجو، شاهد و اقبال دارای بیشترین کیفیت بازیابی هستند و می‌توانند به عنوان مقصودی برای مراجعه و حضور جهت کاهش فشار روانی انتخاب گردند. نتایج نشان داد که در تمام محورهای مورد مطالعه ارتباط معناداری میان کیفیت بازیابی ادراک شده و میزان علاقه‌مندی شهروندان به فضاهای با ضرایب همبستگی قابل توجه وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات (Korpela & Hartige, 1996) مبنی بر وجود ارتباط مستقیم میان میزان علاقه مندی شهروندان به فضاهای شهری با وجود کیفیت بازیابی در انطباق است. همانگونه که در تصویر ۳ مشاهده می‌گردد؛ در ۵۰ درصد نمونه‌های مورد مطالعه (محورهای دانشجو، کوثر و امامیه) وجود شاخص فشار روانی در افراد همچنان که بر چگونگی ارزیابی کیفیت بازیابی در محورها تاثیر گذار است، در میزان علاقه مندی شهروندان به این فضاهای نیز موثر واقع شده است، که یافته مطالعات (Korpela & et al., 2010) نیز گواهی بر همین امر است. به عبارت دیگر به استثناء محور چهارم در دو محور سوم و پنجم ارتباط معنادار مستقیمی مشاهده گردید. بدین معنی که هرچه افراد دارای فشار روانی بیشتری بودند کیفیت بازیابی را در محورها به گونه قوی‌تری ادراک می‌کردند، در حالیکه در مورد چهارم افزایش فشار روانی در افراد منجر به ادراک ضعیفتری از کیفیت بازیابی شده است. با عنایت به اینکه پاسخ دهنگان و شرایط روانی آنها در ارزیابی تمام محورها یکسان بوده است لذا عدم وجود ارتباط معنادار در سایر نمونه‌ها بی‌تردید ناشی از خصایص و ویژگی‌های کالبدی، کارکردی و هویت فرنگی-اجتماعی محورهای است. نتایج مطالعات (Korpela & Hartige, 1996) نشان داد که از میان شاخص‌های موجود کیفیت بازیابی در درجه نخست شاخص‌های انسجام، سازگاری و سپس خوانایی و جذابیت از بیشترین تاثیر گذاری بر میزان علاقه‌مندی به فضاهای برخوردارند، در حالیکه نتایج این پژوهش حاکی از این است که شاخص جذابیت در تمام محورها با میزان علاقه‌مندی به فضاهای ارتباط معنادار مستقیمی است به عبارت دیگر هر چه میزان جذابیت ادراک شده توسط شهروندان افزایش یابد، میزان علاقه‌مندی به فضا افزایش یافته و به تبع کیفیت بازیابی ادراک شده نیز ارتقاء می‌یابد. همانگونه که در تصویر ۴ مشاهده می‌گردد در پنجاه درصد نمونه‌ها نیز شاخص‌های فراغت و خوانایی بطور مستقیم بر میزان علاقه‌مندی و نحوه ادراک کیفیت بازیابی موثرند.



تصویر ۴: شاخص‌های مؤثر بر ایجاد کیفیت بازیابی و علاقه‌مندی به فضاهای شهری

بنابراین بر اساس مدل مفهومی پژوهش، می‌توان گفت که هرچه میزان علاقه‌مندی شهروندان به یک فضای شهری افزایش یابد، کیفیت بازیابی نیز به گونه قوی‌تری در این فضاهای ادراک می‌شود. به عبارت دیگر با شناسایی فضاهای مورد علاقه مردم می‌توان به شناخت فضاهای بازیابنده نیز در سطح شهر دست یافت. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تجربیات بازیابنده در فضاهای مورد علاقه شهروندان می‌تواند به گونه قوی با حالت روانی آنها (وجود/عدم وجود فشار روانی) در ارتباط باشد. بدین معنی که افراد دارای فشار روانی، نیاز بیشتری به بازیابی احساس می‌کنند، بنابراین به گونه قوی‌تری در جستجوی مولفه‌ها و شاخص‌های موجود این کیفیت در فضاهای هستند و در صورت وجود و یافتن این مولفه‌ها ارتباط احساسی- ادراکی قوی‌تری برقرار می‌نمایند. همین امر سبب می‌شود افراد دارای فشار روانی در مقایسه با افراد فاقد آن، کیفیت بازیابی در یک محور واحد را به میزان بیشتری ادراک نموده و میزان علاقه‌مندی شان به فضا نیز افزایش یابد. نتایج در پاسخ به سوال اصلی پژوهش، نشان داد که از دیدگاه شهروندان مشهدی کیفیت جذابیت مهم‌ترین و موثرترین شاخص در ارتباط دوسویه میان افزایش میزان علاقه‌مندی و ادراک مطلوب‌تر کیفیت بازیابی در یک فضا است. در حالیکه شاخص انسجام هیچ گونه تاثیری نداشته و شاخص سازگاری نیز از تاثیر گذاری بسیار پایینی برخوردار است.



تصویر ۵: مدل مفهومی پژوهش

تحلیل کیفی محورهایی که از بیشترین میزان کیفیت بازیابی و علاقهمندی به فضا برخوردار هستند، گویای این نکته است که وجود عملکردهای مختلف از نوع کارکردهای تجاری و خدماتی حاشیه معابر که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با خیابان و شهروندان دارند، می‌توانند در جذب گروههای مختلف شهروندان، افزایش حضور پذیری و ایجاد جذابیت کارکردی موثر واقع شوند. محورهای مذکور از نظر وجود عناصر طبیعی (مانند فضاهای سبز حاشیه معابر و پارکهای متتمرکز و خطی) نیز از کیفیت مطلوب‌تری نسبت به سایر محورها برخوردارند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که ترکیبی از بدندهای فعال شهری در کنار فضاهای سبز متتمرکز، با ایجاد فرصت‌هایی جهت فاصله گرفتن از تنش‌های زندگی روزمره، از سرزندگی و جذابیت کارکردی مناسبی برای گروههای مختلف شهروندان برخوردار است. از منظر ویژگی‌های کالبدی-بصری نیز با توجه به اینکه خیابان‌های منتخب از بافت‌های توسعه جدید انتخاب شده اند، بنابراین با طیف متنوعی از ویژگی‌های کالبدی-بصری چه در نماهای شهری و چه در سایر مولفه‌های منظر شهری روبرو هستیم که می‌توانند منجر به جذابیت و خوانایی فضاهای شوند.

در پایان می‌توان گفت با خلق فضاهای شهری که از نظر شهروندان در زمینه‌های گوناگون کالبدی، عملکردی و بصری دارای جذابیت هستند، علاقه‌مندی به فضاهای شهری افزایش می‌یابد و در بی این افزایش علاوه، شهروند آمادگی روانی بیشتری برای پذیرش تنش‌ها و ناملایمات

و کاهش فشار روانی پیدا کرده و آرامش بیشتری احساس می‌کند، این موضوع به حضور پذیری بیشتر و تقویت رابطه میان شهر و شهروند می‌انجامد.

همچنان که که گفته شد مطالعات حوزه محیط‌های بازیابنده در ارتباطی پیچیده و متقابل میان شهروندان و فضاهای شهری با خصلت‌های گوناگون تعریف می‌گردد، لذا ارائه مدلی همه شمول اگر امری غیر ممکن نباشد، با پیچیدگی‌های بسیار همراه بوده و نیازمند پژوهش‌های متعدد، گستره و همه جانبه است. یافته‌های این پژوهش می‌توانند زمینه ساز و بستری برای مطالعات آتی باشند. شناسایی انواع محیط‌های شهری که مورد علاقه شهروندان هستند، شناسایی و طبقه‌بندی دقیق مولفه‌ها و شاخص‌های کارکردی و کالبدی-بصری فضاهایی که از دیدگاه شهروندان جذاب هستند، شناسایی و طبقه‌بندی مولفه‌ها و شاخص‌هایی که می‌توانند کیفیت فراغت و خوانایی را در فضاهای شهری مورد علاقه شهروندان افزایش دهند، شناسایی و بررسی نحوه تاثیرگذاری سطوح مختلف سلامت روانی افراد در ارزیابی شاخص‌های محیط‌های بازیابنده، شناسایی ارتباط میان ویژگی‌های هویتی-فرهنگی در ارزیابی فضاهای شهری مورد علاقه و همچنین نحوه ادراک کیفیت بازیابی از جمله پژوهش‌هایی هستند که می‌توانند در این زمینه به تکمیل و غنای چارچوب نظری و کاربردی «فضاهای شهری بازیابنده» کمک شایان توجهی نمایند.

ضمیر بازیستی توجه نمود که هر پژوهش علمی ممکن است در بخش‌هایی از فرآیند مطالعه با محدودیت‌هایی روبرو گردد که در این پژوهش با توجه به شرایط حاکم (پاندمیک کووید۱۹) امکان بهره گیری از گروه‌های آزمایشی افراد و حضور مستقیم در فضاهای شهری منتخب میسر نگردید و برخی از مولفه‌های محیطی که می‌توانند در نحوه ادراک و ارزیابی کیفیت بازیابی تاثیرگذار باشند، از محیط پژوهش حذف شدند. از سوی دیگر استفاده از تکنیک پرسشنامه خود اظهاری در سنجش فشار روانی، علی رغم اینکه به لحاظ اعتبار درونی و بیرونی روشنی استاندارد و مورد تأیید است، اما به دلیل تکیه صرف بر ذهنیت افراد می‌تواند با سوگیری‌های فردی همراه شود و در ارزیابی میزان واقعی فشار روانی تاثیرگذار باشد. توجه به این محدودیت‌ها می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آتی باشد.

منابع

- آقا یاری هیر، ت، عباس‌زاده، م، گراوند، ف. (۱۳۹۵). مطالعه سلامت روانی و عوامل فردی و محله‌ای موثر بر آن(مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه/جتماعی*, ۲۷، ۱۴۵-۱۸۷.
- Aghayari, H., Abbas zadeh, M., & Garavand, F.(2016). A Study of Mental Health and Individual and Neighborhood Factors Affecting it, *Journal of Welfare Planning and Social Development*, 27(7), 145-187.
- Abdulkarim, D., & Nasar, J.L. (2014). Are livable elements also restorative?. *Journal of Environmental Psychology*, 38, 29-38.
- Bagot, K.L., Allen, F.C.L., Toukhsati, S.(2015). Perceived restorativeness of children's school playground environments: nature, playground features and play period experiences. *J Environ Psychol*, 41,1-9.
- Berto R. (2005) 'Exposure to restorative environments helps restore attentional capacity', *Journal of Environmental Psychology*, 25, 249-259.
- Bringslimark T., Hartig T., Patil G. G.(2009)' The psychological benefits of indoor plants: A critical review of the experimental literature', *Journal of Environmental Psychology*, 29, 422-433.
- Cackowski J. M., Nasar J. L. (2003). 'The restorative effects of roadside vegetation: Implications for automobile driver anger and frustration', *Environment and Behavior*, 35, 736-751.
- Carrus, G., Scopelliti, M., Panno, a.(2017). A different way to stay in touch with urban nature: the perceived restorative qualities of botanical gardens. *Front Psychol*, 8, 1-9.
- Carrus G., Laforteza R., Colangelo G., Dentamaro I., Scopelliti M., Sanesi G. (2013) ' Relations between naturalness and perceived restorativeness of different urban green', *Psycology*, 4, 227-244.
- Cole D.N., Hall T. E.(2010). 'Experiencing the restorative components of wilderness environments: Does congestion interfere and does length of exposure matter? ' *Environment and Behavior*, 42, 806-823.

- Fornara, F., & Troffa, R. (2009). Restorative experiences and perceived affective qualities in different built and natural urban places. In: Yildiz, HT., Guney, YI., eds. Revitalising Built Environments, Istanbul Technical University, 1–10.
- Fleury-Bahi G., Enric P., Navarro O. (2017) Handbook of Environmental Psychology and Quality of Life Research, Switzerland: Springer International Publishing.
- Hartig, T. (2011). Issues in restorative environments research: Matters of measurement. In B. Fernández-Ramírez, C. Hidalgo Villodres, C. Salvador Ferrer, & J. Martos Méndez (Eds.), Psicología Ambiental 2011: Entre Los Estudios Urbanos y El Análisis De La Sostenibilidad (pp. 41-66). Almería: Universidad de Almería.
- Hartig, T., Korpela, K., Evans, G. W., and Garling, T. (1997). A measure of restorative quality in environments. *Scand. J. Psychol.* 37, 378–393.
- Hartig T. (2004). ‘Restorative environments’ In Spielberger C. (Ed.), Encyclopedia of applied psychology, San Diego: Academic, pp.273–279.
- Hagerhall, C., Laike, T., Kuller, M., Marcheschi, E., Boydston, C., & Taylor, R. (2015). Human physiological benefits of viewing nature: EEG response to exact andstatistical fractal patterns. *Journal of Nonlinear Dynamics Psychol Life Sci*, 19 (1), 1–12.
- Herzog T. R., Ouellette P., Rolens J. R., Koenig A. M. (2010) ‘Houses of worship as restorative environments’, *Environment and Behavior*, 42, 395–419.
- Hernández B., Hidalgo MC. (2005) ‘Effect of urban vegetation on psychological restorativeness’, *Journal of Psychological Reports*, 96, 1025–1028.
- Hipp, JA., Gulwadi, GB., Alves, S., & Sequeira, S. (2016). The relationship between perceived greenness and perceived restorativeness of university campuses and studentreported quality of life. *Journal of Environment Behavior*, 48, 1292–1308.
- Hidalgo M., Hernández B., Ruiz C., and Negrín F. (2013) ‘Es el lugar de apego un lugar restaurador?’, in Proceedings of the XI Congreso Psicología Ambiental. Barcelona.
- Herzog, TR., Colleen, P., Maguire, CP., Nebel, MB. (2003) ‘Assessing the restorative components of environments’, *Journal of Environmental Psychology*, 23, 159–170.
- Hoyle, h., Hitchmough, j., & Jorgensen, a. (2017). All about the ‘wow factor’? The relationships between aesthetics, restorative effect and perceived biodiversity in designed urban planting, *Journal of Landscape and Urban Planning*, 164, 109-123.
- Joy Y., Vanden Berg A.E. (2019). ‘Restorative Environment’ In Steg L., Vanden Berg A.E., DeGroot J.a.m. Environmental Psychology: History, Scope, and in Methods Environmental psychology- an introduction, Ltd.uk; the British Psychological Society and John Wiley & Sons, pp.57-66.
- Karmanov D, Hamel R.(2008). Assessing the restorative potential of contemporary urban environment(s): beyond the nature versus urban dichotomy. *Landscape Urban Plan*. 2008;86:115–125.
- Kaplan S., Talbot J. F. (1983). ‘Psychological benefits of a wilderness experience’ In Altman I., Wohlwill J. F. (Eds.), Human behavior and environment: Advances in theory and research. Behavior and the natural environment, New York: Plenum, pp.163–203.
- Kaplan, S. (1995). The restorative benefits of nature: Toward an integrative framework. *Journal of Environmental Psychology*, 15(3), 169–183.
- Korpela K.M., Hartig T. (1996) ‘Restorative qualities of favourite places’ *Journal of environmental psychology*, 16, 221–233.
- Korpela, K.m, Hartige, T., Kaiser, F.G. (2001). Restorative experience and self-regulation in favorite places, *Environment and Behavior*, 33(4), 572-589.
- Korpela K. M., Yle'n M., Tyrväinen L., Silvennoinen H. (2008) ‘Determinants of restorative experiences in everyday favourite places’ *Health & Place*, 14, 636–652.

- Korpela k.M., Ylen M., Tyrvaine L., silvennoinen H. (2010) ‘ Favorite green, waterside and urban environments, restorative experiences and perceived health in finland’, *Health Promotion International*, 25(2), 200-209.
- Lee E.H., (2012) ‘ Review of the psychometric Evidence of the perceived stress scsle’, *Asian nursing research*, 6, 121-127.
- Lindal PJ., Hartig T. (2013) ‘Architectural variation, building height, and the restorative quality of urban residential streetscapes’, *Journal of Environmental Psychology*, 33, 26–36.
- Lindal PJ., Hartig T. (2015) ‘Effects of urban street vegetation on judgments of restoration likelihood’, *Journal of Urban For Urban Greening* ,14, 200–209.
- Martens, D., Gutscher, H., & Bauer, N. (2011). Walking in “wild” and “tended” urban forests: The impact on psychological well-being. *Journal of Environmental Psychology*, 31, 36–4.
- Mejía-Castillo, AJ., López-Suárez, AD., & Estrada Rodríguez, C., Lagunes-Córdoba, R. (2016). Perceived restorativeness in school spaces of high schools in Xalapa City, México. *Journal of Acta Colombiana de Psicología*, 19(2), 210-219.
- Nordh H., Evensen KH. ,Skarb M.(2017) ‘A peaceful place in the city—a qualitative study of restorative components of the cemetery’, *Journal of Landscape Urban Plan*, 167, 108– 117.
- Nordh H., Hartig T., Hagerhall CM., Fry G.(2009) ‘ Components of small urban parks that predict the possibility for restoration’, *Journal of Urban For Urban Greening*, 8, 225– 235.
- Noorbala, A.A., Damari,B., Riazi Isfahani,S. ,(2014).Evalutaion of mental disorders incidence trend in iran.Journal of Shahed University, 21(112),1-12.
- Pazhouhanfar, M., kamal, M. (2014). Effect of predictors of visual preference as characteristics of urban natural landscapes in increasing perceived restorative potential. *Journal of Urban Forestry & Urban Greening*, 13, 145-151.
- Ratcliffe E., korpela K.M.(2016) ‘Memory and place attachment as predivtors of imagined restorative perceptions of favourite places’, *Journal of environmental psychology*,48, 120-130.
- Raanaas R. K., Patil G. G., & Hartig T. (2010) ‘ Effects of an indoor foliage plant intervention on patient well-being during a residential rehabilitation program’, *HortScience*, 45, 387–392.
- Rosenbaum MS, Sweeney, JC. (2009) ‘ The restorative qualities of an activity-based, third place café for seniors: restoration, social support, and place attachment at Mather’s—more than a café’, *Journal of Senior Housing Care*, 17, 38–54.
- Rosenbaum MS, Otalora M. L., Ramirex G.C. (2016) ‘The restorative potential of shopping malls’ *Journal of Retailing and Consumer Services*, 31, 157-165.
- Roe J.E., Aspinall P. (2011)‘The restorative benefits of walking in urban and rural settings in adults with good and poor mental health’, *Journal of Health & Place*,17,103-113.
- Sharifi,V., amin-esmaeili,M., hajebi, A., motevalian, A., radgoodarzi, R., hefazi, M., & rahimi, A. (2015), Twelve-month prevalence and correlates of psychiatric disorders in iran: the Iranian mental health survey. *Journal of Archives of Iranian*,18(2), 76-84.
- Scopelliti M., Giuliani MV(2004) ‘Choosing restorative environments across the lifespan: a matter of place experience’, *Journal of Environmental Psychology*, 24, 423–437.
- Staats H., Hartig T.(2004) ‘Alone or with a friend:A social context for psychological restoration and environmental preferences’ *Journal of Environmental Psychology*, 24, 199–211.
- Staats H. (2012) ‘Restorative environments’. In: Clayton SD, ed. *The Oxford Handbook of Environmental and Conservation Psychology*. Oxford, UK: Oxford University Press, pp. 445–458.
- Staats H., Jahncke H., Herzog TR., Hartig T. (2016) ‘Urban options for psychological restoration: common strategies in everyday situations’ ,*Journal of PLoS ONE*, 11, 1-25.
- Steg L,Vanden Berg, A,DeGroot J.a.m. (2013) ‘Environmental psychology- an introduction’ Ltd.uk: the British Psychological Society and John Wiley & Sons.
- Stigsdotter UK., Corazon SS., Sidenius U., Kristiansen J., Grahn P. (2017) ‘ It is not all bad for the grey city—a crossover study on physiological and psychological restoration in a forest and an urban environment’, *Journal of Health Place*, 46, 145–154.

- Subiza-Pérez, M., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2019). A systematic social observation tool to measure the restorative potential of urban settings. *Journal of Psyecology*, 10(2), 1-11.
- San Juan, C., Subiza-Pérez, M., & Vozmediano, L. (2017). Restoration and the city: the role of public urban squares. *Journal of Front Psychol*, 8, 1-13.
- Taylor J.M. (2015) 'Psychometric Analysis of the ten- item perceived stress scale', *Psychological assessment*, 27(1), 90-101.
- Talbot J.F., Kaplan S. (1986) 'Perspectives on wilderness: Re-examining the values of extended wilderness experience', *Journal of Environmental Psychology*, 6, 177–188.
- Tyrvainen L., Ojala A., Korpela K., Lanki T., Tsunetsugu Y., Kagawa T. (2014) 'The influence of urban green environments on stress relief measures: A field experiment', *Journal of Environmental Psychology*, 38, 1-9.
- Turan M.T, Besirili A.(2008) 'Impact of Urbanization Process On mental Health', *Anatolian Journal of Psychiatry*, 9,238-243.
- Ulrich, R.S. (2002). Health benefits of gardens in hospitals. Paper for conference: Plants for People. International Exhibition Floria.
- Van Aart C.J.C., Michels N., Sioen I., Decher A.D., Bijnens E.M., Janssen B.G., Henauw S.D., Nawrot T.S. (2018) 'Residential landscape as a predictor of psychosocial stress in the life course from childhood to adolescence', *Journal of Environment International*, 120, 456-463.
- Wanga X., Rodiek S., Wu C., Chen Y., Li Y. (2016) 'Stress recovery and restorative effects of viewing different urban park scenes in Shanghai', *Journal of Urban For Urban Greening*, 15, 112–122.
- Weber A.M., Trojan J. (2018) 'The restoration value of the urban environment: A systematic review of the existing literature' *Journal of Environmental Health Insights*, 12, 1-13.

The indicators affecting the perception of restoration quality in Citizens' favorite urban spaces (with The emphasis on reducing stress in people)

Nazanin Alizadeh Mohavatekar, Ph.D. Candidate, Department of urban planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Seyed Moslem Seyedolhosseini, Associate Professor, Department of urban planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(seyedolhosseini5930@mashdiau.ac.ir)

Maryam Ostadi, Assistant Professor, Department of urban planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Mohammad Reza Saffarian Tosi, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 2021/3/30

Accepted: 2021/11/29

Extended abstract

Introduction: The new style of urban life has turned public spaces into an area for citizens' widespread and continuous presence so that these spaces can significantly weaken or improve the mental-functional health of citizens through two-way communication. According to the approach of restorative environments, the existence of a set of environmental indicators can lead to the restoration of psychological-functional resources of individuals. The research results indicate that individuals' individual-cultural characteristics are also influential in how citizens perceive and evaluate the quality of recovery and the extent of their interest in space. This study aims to identify the indicators of quality of restoration in urban spaces from citizens' perspectives that can have the most significant impact on reducing stress and the level of interest in urban spaces. This research seeks to provide cognition of local factors affecting the quality of recovery in the city of Mashhad (the second metropolis of Iran) to provide a suitable platform for designers, planners, and executive agencies.

Methodology: This paper has collected citizens' views based on a survey strategy and after conducting basic library studies through a specialized photography method and a researcher-made questionnaire. Data were analyzed using SPSS 25 software, Pearson correlation coefficient, and stepwise regression tests.

Results: The results show that with the increase of citizens' interest in urban space, restoration quality becomes more unfolded.

Conclusion: The indicators of attractiveness, being away, and legibility are also more effective in reducing stress in a significant relationship between citizens' interest in urban spaces and the quality of restoration.

Keywords: restoration quality, restorative urban space, Interest in space, stress